

باز هم یک حزب جدید

موجم که سفر از وطنم دورن سازد آوارگیم باعث دوری ز وطن نیست

(کلیم کاشانی)

خبر تحت عنوان «یک حزب جدید سیاسی در کلفورنیا - حرکت وحدت و آزادی افغانستان» برهیري محترم داکتر عبدالستار سیرت که بتاريخ ۱۳ اپریل ۲۰۱۲ گردهمایی اولی آن بود، توجه مرا بیشتر جلب کرد که خانم صوفیه عمر آنرا در پورتال افغان جرمن آنلاين زیر نام و عنوان «سقوي های امپریالست از آستین عبدالستار سیرت سر بیرون کردند» مورد ارزیابی قرار داده، توجه ام را نیز جلب کرد که از یک گوشه دیگر میخوام با شما درین مورد افکار خویش را شریک سازم.

افغانان در تلاش های و تجارب زندگی روزگار بس عجیب و غریب را در بیشتر از چهار دهه دیده اند. عده نامید و بی تفاوت شدند، عده ای مصروف جمع پول و یا هم در عقب بدست آوردن اعتماد مراجع استخباراتی خارجی گردیده و برای رسیدن بقدرت سیاسی بهر در و دیوار دست می اندازند. عده ای محدودی هم الم مردم و وطن خویش را فراموش نکرده و با گوش و پوست خویش در هر آن و هر حرکت به نجات مردم و وطن خویش می اندیشند، مینویسند، ملاقاتها میکنند، مصاحبه ها و نسخه ها پیشکش میکنند و حزب و سازمان و حرکت را تقویت و یا ایجاد میکنند. بلی آنهایی که کار به هدف خیر درین راستا میکنند بهتر اند از آنهایی که صرف بخود و منفعت شخصی متمرکز اند و مردم و وطن را فراموش کرده اند.

جای بس خوشی است که حزب، سازمان، حرکت سیاسی و فرهنگی برای خدمت بوطن، مردم و امر صلح ایجاد میشود برای مسایل مطروحه افغانستان نسخه های تقدیم و مجاهدت خویش را پیشکش نموده و برای کار خیر تلاش میدارند. کار باین هدف عبادت است و نزد الله تعالی اجر عظیم خواهد داشت. به حق که شخصیت ارجمند کشور محترم داکتر عبدالستار سیرت از چنین مقام عالی برخوردار است.

اما دنیای جدید را نمیتوان به نسخه های کهنه و روشهای تاریخ زده ساخت. مرض و مریض امروز باید با نسخه های امروز و فهم از شرایط امروزی مورد مذاقه و تداوی قرار گیرد. فرصت ها و توانایی های مریض، سطح انکشاف و توانایی های وی در نظر گرفته شده، معالجه صورت گیرد. درین راستا عصر خفتن مجاز نیست.

حزب، حرکت و سازمان سیاسی قبل از همه ارایه نسخه و طرز حل مسایل و ارایه راه های حل آنست. حزب و حرکت سیاسی چنانچه در افغانستان می بینیم که مجموعه ای از رفقای شخصی و قرار شواهد زیاد به هدف گرفتن و تصرف چوکی های پُر درآمد و . . . ایجاد شده و بهمین هدف به پیش میروند. اگر حزب و سازمان سیاسی قبل از همه پیشکش کردن نسخه و راه حل به مسایل افغانستان و امر صلح است، مسلم است که این راه حل با تمام تفاوت های سیلوي مثلا از ده بیشتر بوده نمیتواند. پس چطور شد که بیش از سه صد حزب و سازمان سیاسی در افغانستان و خارج آن تشکیل شده و همه روزه درین راستا خبر جدید میشنویم؟ بیشترین این سازمانها قبل ازینکه برنامه و نسخه ای برای حل مسایل مطروحه داشته باشند برنامه تصرف حاکمیت سیاسی دارند و بر ایجاد روابط و تماسها با مراجع استخباراتی غربی تکیه میکنند و تلاش دارند. قبل ازینکه تکیه و اساس مردمی داشته باشند اساس و مرجع استخباراتی خارجی در عقب شان است و یا در ایجاد آن تلاش دارند.

این حرکات و سازمان های سیاسی نباید هیچ صورت مانند یک جزء کوچک از چهره سیاسی کشور بحیث نماینده همه ملت خود را ممثل اراده آن دانسته و نسخه های خویش را قبل گرفتن مشروعیت آن از ملت نسخه های عملی و مشروع قابل تطبیق بدانند. این حرکات و سازمانها نباید قایمقام ملت و انستیتوت های مشروع کشور شده، انتخابات، پارلمان و ساختار های دیموکراتیک دولتی که در پرنسیب نمیتوان مقابل آن و در ضدیت به آن بود قرار داده شود. بشریت همین دیموکراسی قرن بیست و یک و ساختارهای دیموکراتیک را در اختیار دارد که باید از آن استفاده درست و به فهم امروز شود، الترناتیف دیگر نداریم.

مسلماً که افغانستان در مرحله ده سال قبل قرار ندارد و از انستیتوت های ایجاد شده به پول گزاف و ضیاع وقت بیشتر و با وجود بی کفایتی ها و اشکال فریبنده و تقلبی آن بشکل اصلی و با محتوی درست در آورده شده و استفاده مشروع و قانونی صورت گیرد. لذا

- حل مسایل امروزی با نسخه های جنگ سرد دید و تقسیم بندی های جنگ سرد و راست و چپ دیروز و پیگیری به آن یک خیال و محال و در عمل ناممکن است.

برخورد های قومی، همراه تعصبات محلی و منطقوی و در حل مسایل عام منحصر ماندن در حلقه خورد تشکیلاتی خویش خطا و مارا به جایی رسانیده نمیتواند.

زدن تپه های سرخ و سبز و دیروز و امروز مشکل مارا مداوا نخواهد کرد. باید در موارد از بدتر کرده کم بد را انتخاب و در تلاش انتخاب بهتر و بهتر بود. در تلاش بود که با نسخه های عملی و علمی، با مصرف کم و وقت کم با قربانی کم حد اکثر نتایج را بدست آورد. این ممکن است اگر ما از تعصبات و پشداوری ها و منافع انحصاری و خود خواهی های خود بگذریم و به حکم عقل و منطق سلیم و با یک نیک نگرایی به آینده به اتکاء به حق با در نظر داشت تجارب تلخ گذشته و آموختن از آن و با دید به فردای روشن گام های متین و استوار، با درایت و حوصله مندی و پیگیری در یک پلتفورم مشترک با وجود تفاوت های سلیقوی و در همه حالات منافع و مصالح مردم، کشور و امر صلح قدم برداریم. در هر لحظه و هر آن با ایمان و اعتقاد برین که ذات الهی متوجه اعمال و کردار ماست و ظاهر و باطن امر آگاه است خود را خود قاضی ساخته و به پیش قدم برداریم.

- در بررسی و آموختن از گذشته نباید افراط و تفریط کرد. درست و انسانی خواهد بود به ریش بابه خندید. درست خواهد بود صداقت و انصاف نداشت. درست خواهد بود همه را در یک جوال انداخته قضاوت ناسالم و غیر عادلانه کرد. درست خواهد بود کارهایی که نتیجه آن معکوس باشد. نباید تیشه بر ریشه خویش زده و با قضاوت عجولانه و تعصب آمیز آب بر آسیاب آنهایی ریخت که موجودیت ایشان را آرزو نداریم. بلی با تپه زدن های سرخ و سبز دقیقاً همین کار که زمینه برای سربازگیری تشکلات نامطلوب میکند، آماده می سازد. درین ارتباط به جا که گفته شود:

- جهاد و مجاهدین بخشی از تاریخ زرین کشور و از افتخار ما اند، اما این افتخار به کس حق نمیدهد تا تیکه دار و مالک مستحق قدرت و حاکمیت سیاسی در افغانستان و باین ترتیب آنرا منحصر و حق مسلم خویش بدانند. این صلاحیت ملت است و باید احزاب و سازمان های ایجاد شده توسط انسانان خیرخواه به این سمت حرکت و کار عملی کنند. حرکات و سازمان های غیر مطلوب نیز باید حق داشته باشند تا در محراق تصمیم و انتخاب و عدم انتخاب مردم قرار گیرند. مثلاً وزیر داخله کشور حق دارد مانند شخص افغان و تبعه کشور در مورد حرکات، سازمان های سیاسی و احزاب مانند فرد اظهار نظر کند ب مردم سفارش کند که بوی رای بدهید و یا ندهید. اما حق ندارد که با استفاده از پُست دولتی مانع این شود تا به خط کشی خودش خلاف قانون مانع سهم گیری این حزب و یا آن حزب در انتخابات شود. اینگونه برخورد مارا بهمان سیستمهای سیاسی یک حزبی خواهد رسانید که یکبار در کشور ما و بخشی از کشورهای جهان امتحان شده و نتیجه نداده و به تراژیدی های بس عظیمی انجامیده است.

- در تعریف و بررسی گذشته بدون تقسم مسؤولیت اخلاقی، ایمانی و وجدانی، سیاسی و مسؤولیت جنایی نمیتوان کاری را به پیش برد. در غیر آن با آسان سازی و همه را در یک جوال انداختن و قضاوت ساده کردن و اساس نسل و در یک مقطع در جای معین بودن بیک بیعدالتی دیگر میانجامد و کار را به جای نمی رساند.

- اصل تابعیت و مراعات و عدم مراعات قانون و مشروعیت نسخه های خویش از ملت بدست آوردن الترناتیف و قایم مقام دیگری خوبی ندارد. گرفتن قدرت سیاسی با اساس معامله و کنفرانسها از جمله کنفرانس بُن مانند و دیگر معاملات و به نُقل گزاری به مراجع استخباراتی جهان و ابر قدرت ها سبب ایجاد حاکمیت های ضعیف شده و کاری از دستش ساخته نخواهد بود.

- ایجاد حاکمیت خُبرگان و افراد خدمتگار به اساس تفکیک یک کمیته منتخب خط کشی شده توسط این و یا شخص و گروه یک کار غیر عملی و یک خیال و خواب خوب است اما غیر عملی. اولاً کی کمیته را صلاحیت داده که چنین انتخاب داشته باشد؟ دوم قهرمان یکی خاین دیگر و خاین دیگری قهرمان آن دیگر است. لذا این طرح هم غیر عملی و به همان خاله بازی ها و روابط جیبی و قومی و حزبی و خانوادگی می انجامد و بس.

- مدت حکومت مؤقت و عملاً غیر مشروع و با اساس توافق که من شما را «کوته و الدار» گفته و شما مرا «حوال دار» بگوئید . . . نادرست غیر عملی به بجای نمیرسد. دقیقاً همان چیزیکه در کنفرانس بُن اول شد و چه ساده لوحی که عده ای باین استدلال دارند که در آن زمان خط کشی های منحنی قومی کارا افتاد و جناب داکتر عبدالستار سیرت که به اکثریت انتخاب شده بود بنا بر مسأله قومی انتخاب نشد. سوال باید مطرح شود که این کوته و الدارها و حوال دار های دعوت شده به کنفرانس بُن اول را کی انتخاب کرده بود تا زعیم و رهبر یک کشور را انتخاب کنند که باز در آن اصول منحنی قومی مانع انتخاب این و یا آن شد. این روش تعیین زعامت در مقطع معین برای مدت زمان چهار - شش ماه با وظایف کاملاً مشخص و محدود بنا بر شرایط خاص و محدود نوعی از توجیه دارد، اما برای زعیم مشروع یک کشور در قرن بیست یک و آنهم برای سه سال اصلاً مجاز نیست. بهمین علت هم جرگه هایی که به اساس دعوت افراد به اساس روابط و سلیقه های شخصی است، نمیتواند در انتخاب زعیم کشور مشروع باشند. این جرگه ها و گردهمایی ها و مراجع بین المللی بشمول مراجع استخباراتی خیرخواه میتوانند صرف و صرف ممد این شوند که زمینه را برای اظهار اراده راستین ملت در یک انتخابات آزاد و شفاف مهیا سازند و بس.

هرگونه تخطی ازین قاعده و آسان سازی های مانند کنفرانس بُن اول، قابل قبول نیست و بوده نمی تواند. حاکمیت جناب حامد کرزی باوجود اینکه وقت، فرصت، مساعدت ها و قرضه های مالی زیادی را با عدم مشروعیت و بی کفایتی ضایع کرد فرصت های طلایی عصر را به هدر داد و میدهد اما افغانستان درمرحله دیگر از انکشاف خویش قرار دارد.

انستیتوت های ایجاد شده تقلبی مانند پارلمان، حکومت، مراجع قضایی و ساختار های دیگر کشور باید از شکل تقلبی و غیر دیموکراتیک خارج و شکل اصلی و درست را بیابند. لذا نفيه اینهمه و ساختن دولت مؤقت آن هم برای سه سال (مطابق به طرح این حرکت جدید) کاملاً رد و نادرست میباشد و کار مثمر و مشروع را انجام داده نخواهد توانست. - حاکمیت تکنوکرات ها که مشروعیت خویش را از ملت نگرفته باشد، حاکمیت تجرید شده از ملت است و توانایی اجرای وظایف را ندارد.

- مرکز مالی و برخورد های مشابه و خیر و خیرات در قرن بیست و یکم عملاً غیر عملی و هیچ مرجع و شخص تاجر حاضر نخواهد شد که بصورت دوامدار درین راستا بدون منافع سیاسی خویش مساعدت بکند. و باز هم این تاجران ما که تعداد زیاد شان مانند سمارق سبز کرده بصورت غیر قانونی و فروش مواد مخدره و کار برای استخبارات اجنبی پول اندوخته اند و یا برای آنها کار میکنند، خواست غیر عملی است.

در اخیر باید گفت مهاجرت گناه نیست بلکه برای اهداف خیر عبادت است. ما از جهان و جوامع پیشرفته می آموزیم و آنچه بدرد ما میخورد و سطح انکشاف جامعه ما جوابگوی آنست استفاده می بریم. درین راستا تعصب نداریم. بزرگان تاریخی و دینی درمهاجرت و از مهاجرت تغییرات بزرگ را بکشور خویش نیز آورده اند. اما باید همچو احزاب سیاسی در داخل کشور و در رابطه مستقیم با احساس و لمس مستقیم از حالات کشور ایجاد و انکشاف کنند. اگر رهبر و زعیم نداند که یک کیلو کچالو و یک قرص نان درکشور ما چند افغانی قمیت دارد و معاش یک مأمور چند است؟ اینگونه حزب و سازمان به درد افغانستان نمی خورد.

و اما تعدد احزاب و غیر موجه بودن آن بهیچ صورت باین معنی نیست که کسی از بالا امر کند که باید تعداد احزاب در افغانستان مثلاً ده حزب باشد. این حرکت با واقعیت نگرى بصورت طبیعی باید از پایین و خود این حرکات و تشکلات و احزاب آغاز گردد و برای ریختن این جویچه های خورد به دریا های بزرگ و بحر ها کار وسیع صورت گیرد که هنوز هم کار بس عظیم درین راستا در پیش است.

من یکبار دیگر از ایجاد این حرکت ملی و خیرخواهانه استقبال نموده برای فعالین شان از درگاه ایزد متعال قوت و کار بیشتر خیر تمنا دارم و تأکید میکنم که برای ایجاد پلاتفورم های مشترک، ائتلاف ها مانند مقدمه برای تشکلات واحد و بزرگ باید کار کرد. این کار باید بدون تعصب و پیشداوری های با صداقت و خوشبینی به آینده بدون چالاکي و بجان زدن ها صورت گیرد. مردم ما دیگر فریب نمیخورد. بلی مردم ما باساس تجارب بد از هر دست دراز شده میترسند. بآن به دیده شک و تردید نگاه میکنند و درین راستا بنا بر تجارب تلخ اکثر جرئت را از دست داده اند و تصور دارند که این باز کدام تجارت سیاسی است؟ اما باید با تفکر و تعمق و هوشیاری با جرئت درین راستا انتخاب خویش را داشت و کار برای خیر را مشترک و هماهنگ آغاز و با یک نیک نگرى و درایت به پیش رفت. حرکت «شورای عالی حل معضله دیورند» درین راستا بهمین سبک و ایجاد پلاتفورم وسیع کار کردن میخواید و کار را درین راستا آغاز کرده است.

راه حل موجه بصورت تلگرافی:

ایجاد سازمان ها و تشکلات سیاسی و ایجاد روابط، ائتلاف ها و جبهات مشترک باسازمان های داخلی و خارجی افغانی برای تحقق اهداف مشترک و کار برای ایجاد حاکمیت مردم و پیشکش کردن نسخه های عملی، در بخش اقتصادی سیاسی و نظامی و سیاست خارجی و رفتن بملت و گرفتن مشروعیت نسخه های خویش از ملت. کار برای گرفتن قدرت سیاسی برای خدمت مردم در تحقق نسخه های مطروحه که مشروعیت آن از ملت گرفته شده باشد. قناعت دادن مراجع بین المللی به درست بودن راه های حل مطروحه و کار برای آن.

زمینه سازی عملی برای اینکه در نتیجه سیاسی افغانستان خلاء های موجود پر شود. این پُرشدن به مفهوم به حاشیه کشاندن ملت نه، به مفهوم معاملات استخباراتی نه، بمنظور تقسیم غنائم نه، بلکه باساس توافقات ابتدایی نیروهای سیاسی به نحوی که زمینه را برای سخن و انتخاب اصلی را ملت آماده کند. کار برای افغانستانیکه از آن خطری برای جهان نباشد.

درصورتیکه جامعه بین المللی قانع نشود و حاکمیت امروزی جناب حامد کرزی مانند انتخابات ریاست جمهوری اخیر و پارلمانی اخیر از وسایل غیر قانونی استفاده کردن قصد داشته و وسایل بکار گرفته نشود که از تکرار همچو حالت ممانعت شود باز درین صورت ایجاد اداره مؤقت برای شش ماه الی حد اکثر یک سال با هدف و وظیفه مشخص و واضح که براه انداختن انتخابات آزاد و شفاف ریاست جمهوری و پارلمانی و تصویب قانون اساسی جدید و عملی کردن آن برنامه های که در انتخابات توسط احزاب و شخصیت های مستقل به مردم پیشکش شده و از ملت مشروعیت عملی کردن را بدست آورده، در پیش گرفته شود.